یادداشت

راه‌هایی که در مهار فساد مؤثر است

مجتبی لشکر بلوکی
محقق و پژوهشگر

در یکی از کشتی‌های نظامی پیشرفته اروپایی، چندین ملوان زن باردار شدند و با هلی کوپتر به خشکی و سپس به کشورشان باز گردانده شدند. ظاهرا این مساله برای اولین بار نبوده و چند بار تکرار شده. این در حالی است که هرگونه رابطه در این ناوها مطلقا ممنوع است حتی برای زوج‌های رسمی. خب چرا چنین اتفاقی می‌افتد؟ مطمئنا این را نمی‌شود به گردن دزدان دریایی یا عوامل ناشناخته فضایی انداخت. قبل از اینکه به این سوال پاسخ دهم، سه سوال دیگر هم می‌پرسم و جواب این سه سوال هم عینا همان مانند سوال اولی است. چرا میلیون‌ها دلار ارز با نرخ ترجیحی را رانت خواران یقه سفید محترم خوردند و یک لیوان آب هم روش؟ چرا برخی سر جلسه امتحان تقلب می‌کنند؟ چرا در برخی ادارات درآمد رشوه از درآمد حقوق رسمی بیشتر است؟ نقطه مشترک رانت خواران، متقلبان و رشوه بگیران چیست؟ فساد و هرگونه رفتار غیرقانونی ریشه در چهار متغیر دارد: امکان، توجیه، وسوسه و فشار. امکان: یعنی آنکه عملا امکان یک رفتار دیگر غیر از رفتار مورد انتظار وجود داشته باشد؟ مثلا شما نمی‌توانید به یک دستگاه خودپرداز رشوه بدهید و از او بخواهید که به جای ۲۰۰ هزار تومان پول، به شما سیصد هزار تومان پول بدهد. ماشین است و نفهم و غیرقابل مذاکره. پس شما عملا امکان لابی و رشوه ندارید. وسوسه: یک فکر موذی و اغواکننده است که وارد ذهن می‌شود و ما را به کاری یا استفاده از موقعیتی یا تجربه کردن چیزی دعوت می‌کند و گاهی اوقات این دعوت را ادامه می‌دهد تا در برابرش تسلیم شویم. وقتی شما می‌بینید که با استفاده از ارز دولتی ارزان می‌توانید یک ماهه، معادل ۳۰ سال حقوق یک کارمند درآمد داشته باشید، حداقل یک بار وسوسه می‌شوید. فشار: فرض کنید که کالای شما پشت گمرک گیر کرده است و اگر تا هفته بعد ترخیص نشود یک ضرر ده میلیاردی می‌کنید و نتایج یک عمر زحمت شما بر باد می‌رود. در چنین موقعیتی شما تحت فشار هستید. یا فرض کنید که فرزند شما بیمار است و تا هفته دیگر اگر عمل نشود می‌میرد، شما هم پول ندارید، کسی به شما پیشنهاد رشوه می‌کند! فشار فضا را مساعد می‌کند برای رشوه، تبانی، تقلب، رابطه غیراخلاقی و.... توجیه: یعنی اینکه وجدان خود را با یکسری دلایل قانع کنیم. به عبارت دیگر شست وشوی اخلاقی دهیم. مثلا به این جملات دقت کنید: همه تقلب می‌کنند من چرا نکنم؟ همه رشوه می‌دهند حالا من بچه پیغمبر که نیستم. بابا همه دارند می‌خورند و می‌برند، فقط سر ما بی‌کلاه مونده بود. حتی گاهی اوقات فساد و رفتار غیرقانونی با اتکا به دلایل اخلاقی و اهداف متعالی شست و شوداده می‌شود. حالا فکر می‌کنم جواب سوال معلوم شد: کافیست فضای کشتی جنگی را تصور کنید! در آن کشتی هم امکان خطا وجود دارد، هم وسوسه و هم فشار و در نهایت همه اینها با توجیه، شست وشوی اخلاقی می‌شود و می‌شود آنچه نباید بشود. وقتی هم امکان فساد هست (رانت دولتی و ارتباط)، هم وسوسه (عادی شدن فساد)، هم فشار (فشار برای یک شبه پول دار شدن و به باقی ثروتمندان پیوستن) و در نهایت توجیه (وقتی هر کسی دستش به هر جایی می‌رسد می‌خورد چرا من نخورم)، شما هم رانت خوار/متقلب/رشوه بگیر/دزد می‌شوید. حذف ارتباطات انسانی، کنترل متقاطع اطلاعات، قاعده ثروتت را از کجا آورده‌ای، عقوبت‌های بسیار دردناک، انتشار شفاف نتایج پرونده‌های مفسدین در مهار فساد موثر است. متاسفانه هر چهار رکن مربع فساد فراهم است. برای توسعه نیازمند آن هستیم که طراحی‌های هوشمند انجام دهیم تا مربع فساد در هم شکسته شود.

نکته

محمدعلی پورمختار:

اصولگرایان منتظر گروه‌های تک‌رو نمی‌مانند

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص لیست واحد اصولگرایان اظهار داشت: اصل این موضوع یعنی رسیدن به لیست واحد در شهرهای بزرگ و به ویژه تهران برای اصولگرایان بسیار ضروری است. لازمه‌اش هم این است که گروه‌ها و جمعیت‌هایی که در این عرصه فعال هستند بر نقاط مشترک تأکید و بر نقاطی که می‌تواند بر نامزدهای هر یک از گروه‌ها مصداق پیدا کند توافق کنند. حالا شاید به عددی بیش از ۳۰ نفر در تهران هم برسند که در آن صورت می‌توانند از طریق قرعه افراد را وارد لیست کنند. حالا ممکن است بگویند می‌خواهیم درون جبهه اصولگرایی رقابت کنیم که این نگاه به هیچ‌وجه منطقی نیست زیرا در هر صورت جریان اصلاحات گرچه به صورت جریانی و حزبی تا امروز سکوت کرده یا اخبار متناقضی از آنها بیرون می‌آید یا می‌گویند درباره انتخابات تصمیمی نگرفته‌ایم اما به نظر می‌رسد آنها به صورت انفرادی نفرات خود را وارد انتخابات می‌کنند زیرا نمی‌خواهند با اعلام اسامی نفرات خود را بسوزانند یا تمرکز اصولگرایان را بر آنها جلب کنند. محمدعلی پورمختار گفت: به نظر می‌رسد اگر اصولگرایان به وحدت نرسند اصلاح طلبان پیش روی می‌کنند. همه گروه‌های اصولگرایی باید بر معیارهایی که دارند کار کنند تا در نهایت به معیارهای مشترکی برسند تا بر آن اساس افراد را در لیست قرار دهند.» پورمختار تاکید کرد: وقتی پای ارزش‌ها و منافع ملی به میان می‌آید طبیعتا همه گروه‌های اصولگرایی باید ایثارگری داشته باشند و یک مقدار در حوزه تعیین معیارها به حداقل‌ها اکتفا کنند تا بقیه هم وارد میدان شوند اما اگر به هر حال یک گروه با هر شرایطی نخواهد به وحدت برسد طبیعی است بقیه گروه‌ها منتظر آن گروه نمی‌مانند و بدون آن طیف لیست خود را می‌دهد و آن طیف خاص در اقلیت قرار می‌گیرد و همان چندکرسی که می‌توانست به دست آورد را هم از دست بدهد.

پیروز حناچی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مگر قرار است کسی انتقاد نکند

بیلبوردهای شهری باید با وجدان عمومی جامعه همخوانی داشته باشد

باید از هنر و ادبیات برای کاهش آلام شهری استفاده کرد

آرمان ملی- احسان انصاری: آرمان ملی گفت‌وگوی مفصلی با دکتر پیروز حناچی، شهردار سابق تهران داشته است. بخش اول این گفت‌وگو در روز سه شنبه 7 آذر چاپ شد که در آن گفت‌وگو آقای حناچی به مشکلات بودجه شهرداری و افزایش آن و همچنین به انتقاد از ایدئولوژیک شدن مدیریت شهری پرداخته بود. اینک بخش دوم این گفت‌وگو را پیش رو دارید. حناچی در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های کنونی شهر تهران پرداخته است. وی در این گفت‌وگو به مساله بیلبورد شهری هم اشاره کرده و می‌گوید: «آقای مهرجویی از جمله مفاخر سینمای ایران بودند که فیلم «گاو» ایشان مورد تأیید حضرت امام (ره) نیز قرار گرفت و حضرت امام (ره) آن را فیلم تأثیرگذاری دانستند. فیلم دیگر ایشان «مهمان مامان» بود که گویی با همه خانواده‌های ایرانی ارتباط برقرار کرد و از نظر اجتماعی یک فیلم قابل احترام بود. به هر حال ممکن است هر هنرمندی انتقاد هم کرده باشد. چه ایرادی دارد؟ مگر قرار است کسی انتقاد نکند و یا همه تعریف و تمجید کنند؟ اتفاقا رواداری حاکمیتی ایجاب می‌کند که حکومت در چنین شرایطی از خود حوصله نشان بدهد. گیریم که چند هنرمند نقد هم کرده‌اند و یا نظر دیگری داشته‌اند. اینکه چگونه با چنین موضوعاتی برخورد شود جز ظرافت‌های حاکمیتی است.» در ادامه این گفت‌وگو را می‌خوانید.

آقای زاکانی هنگامی که مدیریت شهر تهران را به دست گرفتند با انتقاد از مدیریت شما عنوان می‌کردند به دنبال تغییر رویه در مدیریت شهر تهران هستند. پاسخ شما به آقای زاکانی چیست؟

ما به دنبال تغییر رویه بودیم و در این مسیر حرکت کردیم. گزارش عملکرد ما روشن و شفاف است و به خوبی نشان می‌دهد که ما زمانی که مدیریت شهر تهران را برعهده گرفتیم شهر در چه شرایط بود و هنگامی که به شهردار بعدی تحویل دادیم با چه شرایطی آن را تحویل دادیم. هر کسی که به دنبال افزایش سطح کیفیت زندگی مردم تهران است باید در همین مسیر حرکت کند. کیفیت اتفاقی نیست و نیازمند برنامه‌ریزی و اراده مدیران شهری است و یک فرایند است. هنگامی که مقدمات این فرایند فراهم نباشد انتظار بالا رفتن سطح کیفی زندگی مردم نیز نباید داشت.

تبلیغات شهری دارای چه استانداردهایی است؟ اینکه در شرایط کنونی تبلیغات شهری تنها در اختیار یک جریان فکری و سیاسی قرار دارد که افکار آنها را اشاعه می‌دهد به چه میزان با استانداردهای مدیریت شهری تطابق دارد؟

این موضوع از دو جنبه کیفی و کمی قابل بحث است. به صورت طبیعی تابلوهای شهری نقطه ارتباط نظام مدیریت شهری با شهروندان است. دو حالت نیز برای این تابلوها وجود دارد. نخست اینکه هنگامی که شهروندان این تابلوها را می‌بینند احساس آرامش پیدا کنند و یا اینکه روی اعصاب مردم باشد. من قضاوت نمی‌کنم که در شرایط کنونی وضعیت تبلیغات شهری در تهران به چه صورت است. با این وجود بیلبوردهای شهری باید با وجدان عمومی جامعه همخوانی داشته باشد. من معتقدم نظام مدیریت شهری و شهردار مانند پدر خانواده است. سوال من این است که اگر فرزند شما دیدگاه متفاوتی نسبت به شما داشته باشد آیا آن را از خانه بیرون می‌کنید و یا تلاش می‌کنید به شکل‌های مختلف نظر وی را جلب کنید. نظام مدیریت شهری نیز به همین صورت است. وجدان عمومی جامعه باید با نظام مدیریت شهری ارتباط برقرار کند.

در شرایط کنونی چنین اتفاقی رخ می‌دهد؟

برای پاسخ به این سوال نباید صرفا به حس خود توجه کرد و بلکه باید یک کار علمی و سنجیده را در دستور کار قرار داد. در این زمینه می‌توان به نظرسنجی‌ها رجوع کرد که دیدگاه مردم در این زمینه به چه صورت است. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که ابزار بسیار قوی در اختیار نظام مدیریت شهری قرار دارد که بتواند با شهروندان در ارتباط باشد. همواره بیلبوردها محل درآمدی برای شهر بوده است. در چنین شرایطی اگر قرار است بیلبوردهای شهری تنها برای نظام مدیریت شهری هزینه در بر داشته باشد مطمئناً برای آنها که این بیلبوردها را چاپ می‌کنند سود خوبی خواهد داشت اما برای نظام مدیریت شهری دستاورد قابل توجهی نخواهد بود. باید در این زمینه تعادل ایجاد کرد که در این زمینه منابعی را تأمین کرد تا خیر عمومی گسترش و ادامه پیدا کند.

در شرایط کنونی مدیریت شهری از طریق بیلبوردهای شهری با مردم تعامل برقرار می‌کند؟

من این رویکرد را نمی‌پسندم و معتقدم در شرایط کنونی چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. برای انجام چنین اقداماتی مدیریت شهری باید از بهترین هنرمندان استفاده کند تا آثار فاخری تولید شود که بتواند مردم شهر را با خود همراه کند. در زمانی که بنده شهردار تهران بودیم تلاش می‌کردیم یک رقابتی بین هنرمندان در این زمینه شکل بگیرد تا بهترین نتیجه حاصل شود و آنچه در معرض دید مردم قرار می‌گیرد بهترین کار باشد. یکی از اتفاقات خوبی که در این زمینه رقم خورد به ماجراهواپیمای اوکراینی ارتباط داشت که شهرداری تهران تلاش کرد آن را به یک غم ملی تبدیل کند. هیچ‌کس از این اتفاق خوشحال نبود و خانواده‌های داغدیده نیازمند همدردی بودند. به همین دلیل نیز اغلب بیلبوردهای بزرگ شهری به این موضوع اختصاص پیدا کرد که مورد توجه نیز قرار گرفت. اتفاق دیگری که در زمان مدیریت بنده رخ داد نقش واره‌ها و یا ویدئومپ‌هایی بود که به مناسبت‌های مختلف در میدان آزادی نقش می‌بست. شاید یکی از مهم‌ترین آنها که بازتاب جهانی پیدا کرد جمله معروف «جان پدر کجاستی» یک پدر افغان در سوگ از دست دادن فرزند دانشجوی خود بود. نقش واره معروف دیگر که بازتاب خوبی پیدا کرد زمانی بود که هنوز ایران وارد بحران کرونا نشده بود و ما برای ووهان چین یک نقش واره روی میدان آزادی نمایش دادیم که زمانی که ایران وارد بحران کرونا شد کشور چین کمک‌های زیادی به ایران کرد و اقلام مورد نیاز را در اختیار ما قرار داد. کارهای هنری را باید به هنرمندان سپرد. به هر حال آنها بهتری می‌توانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند. شأن تهران به عنوان پایتخت کشور نیز به شکلی است که نباید به کم راضی باشد.

یکی از استفاده‌هایی که از بیلبوردهای شهری صورت می‌گیرد برای درگذشت مفاخر کشور در زمینه‌های مختلف است. چرا این اتفاق برای درگذشت آقای مهرجویی رخ نداد؟

این سوالی است که شهردار تهران و مدیران شهری باید به آن پاسخ بدهند. سیاست‌گذاری برای حرکت روی وجدان عمومی از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است. آقای مهرجویی از جمله مفاخر سینمای ایران بودند که فیلم «گاو» ایشان مورد تأیید حضرت امام (ره) نیز قرار گرفت و حضرت امام (ره) آن را فیلم تأثیرگذاری دانستند. فیلم دیگر ایشان «مهمان مامان» بود که گویی با همه خانواده‌های ایرانی ارتباط برقرار کرد و از نظر اجتماعی یک فیلم قابل احترام بود. به هر حال ممکن است هر هنرمندی انتقاد هم کرده باشد. چه ایرادی دارد؟ مگر قرار است کسی انتقاد نکند و یا همه تعریف و تمجید کنند؟ اتفاقا رواداری حاکمیتی ایجاب می‌کند که حکومت در چنین شرایطی از خود حوصله نشان بدهد. گیریم که چند هنرمند نقد هم کرده‌اند و یا نظر دیگری داشته‌اند. اینکه چگونه با چنین موضوعاتی برخورد شود جز ظرافت‌های حاکمیتی است. حرکت درست در این زمینه این است که بر مدار وجدان عمومی جامعه حرکت کنید. افراد یک جامعه جزئی از یک خانواده هستند و اگر امیال و دیدگاه‌های آنها مورد توجه قرار نگیرد به شکل دیگری رفتار می‌کنند و از روش‌های دیگری دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کنند. یک حاکمیت هوشمند نباید اجازه دهد چنین فاصله‌ای ایجاد شود و اگر هم به وجود آمد باید تلاش کند که این فاصله از بین برود.

در ماه‌های اخیر در سطح شهر تهران اشعاری از برخی شعرا روی بیلبوردهای شهری نصب شده که واکنش‌های زیادی در پی داشته و حتی یکی از فرماندهان نیروی انتظامی عنوان کرده که این اشعار می‌تواند باعث حواس پرتی رانندگان و در نهایت تصادف شود. این اقدام به چه میزان علمی است؟

این موضوع بستگی به مکان بیلبورد دارد. اینکه بیلبورد در مسیر تندرو یا کندرو و یا اتوبان و یا خیابان نصب شود حائز اهمیت است. نباید شرایط به شکلی باشد که راننده با دیدن این اشعار مکث کند و این مکث باعث حادثه در سطح شهر شود. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که هنر و ادبیات می‌تواند تا حدود زیادی به تلطیف زندگی شهری کمک کند. با این وجود آنچه دارای اهمیت است این است که از این هنر و ادبیات به چه شیوه‌ای استفاده شود. هنر و ادبیات ابزاری است که می‌تواند زندگی شهری که همه را آزار می‌دهد التیام بدهد. به همین دلیل نیز مدیریت هوشمند تلاش می‌کند از این ابزار استفاده کند. در برخی شهرهای جهان تندیس‌هایی قرار داده شده که انسان را به فکر فرو می‌برد و یا باعث خنده افراد شود. حتی برخی از این تندیس‌ها رفتار شهروندان را تغییر بدهد. رفتار شهروندان را نمی‌توان به راحتی تغییر داد اما در برخی شهرهای جهان این اتفاق رخ می‌دهد. به عنوان مثال در استکهلم - پایتخت کشور سوئد- برای اینکه مردم کمتر از پله‌های برقی استفاده کنند روی پله‌های معمولی نت‌های موسیقی قرار می‌دهند که افراد هنگام راه رفتن روی این پله‌ها با پای خود موسیقی ایجاد کنند. این وضعیت نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از ابزار هنر و ادبیات برای تغییر رفتار شهروندان استفاده کرد. این در حالی است که ما در این زمینه با ضعف‌هایی مواجه هستیم.

> **نظام مدیریت شهری و شهردار مانند پدر خانواده است. سوال من این است که اگر فرزند شما دیدگاه متفاوتی نسبت به شما داشته باشد آیا آن را از خانه بیرون می‌کنید و یا تلاش می‌کنید به شکل‌های مختلف نظر وی را جلب کنید. نظام مدیریت شهری نیز به همین صورت است. وجدان عمومی جامعه باید با نظام مدیریت شهری ارتباط برقرار کند**

> **ما به دنبال تغییر رویه بودیم و در این مسیر حرکت کردیم. گزارش عملکرد ما روشن و شفاف است و به خوبی نشان می‌دهد که ما زمانی که مدیریت شهر تهران را برعهده گرفتیم شهر در چه شرایطی بود و هنگامی که به شهردار بعدی تحویل دادیم با چه شرایطی آن را تحویل دادیم. هر کسی که به دنبال افزایش سطح کیفیت زندگی مردم تهران است باید در همین مسیر حرکت کند. کیفیت اتفاقی نیست و نیازمند برنامه ریزی و اراده مدیران شهری است و یک فرایند است**

نگره

گزارش رسانه بریتانیایی درباره همسر رئیسی

جمیله علم‌الهدی از سایه خارج شده!

برای رسانه‌های غربی این موضوع غیرعادی است که همسر یکی از سران ارشد جمهوری اسلامی نظراتش را ترویج کند. جمیله علم‌الهدی ۵۸ ساله که همسرش ابراهیم رئیسی رئیس جمهور ایران است، تصویر سنتی ایران از یک زن در جایگاه او را کنار زده است. نجمه بزرگمهر، خبرنگار فایننشال تایمز با جمیله علم‌الهدی در دفتر کارش در دانشگاه شهید بهشتی تهران گفت‌وگو کرده است. علم‌الهدی به او گفته «من معلم هستم و بر نظریه‌های فلسفی متمرکزم. من مدت زیادی است که این کار را انجام می‌دهم، اما اکنون به نظر می‌رسد که به طور تصادفی یک پلتفرم دارم و فعالیت‌هایم دیده می‌شود.» این رسانه بریتانیایی در گزارش خود گفته علم‌الهدی، استاد فلسفه تربیتی و رئیس پژوهشکده علم و فناوری دانشگاه شهید بهشتی است و ۴ دهه پیش با رئیسی ازدواج کرده و در حین تحصیل در مقطع دکترا، تدریس و تألیف هشت کتاب، دو دخترش را هم بزرگ کرده است. جایگاه «بانوی اول» بخشی از فرهنگ سیاسی ایالات متحده است و هرگز بخشی از چشم‌انداز سیاست ایران نبوده است. بر اساس این گزارش، بیشتر آثار منتشر شده علم‌الهدی که در کتاب‌هایی مانند هنر زنانه زندگی و نظریه اسلامی تعلیم و تربیت بیان شده‌اند، به موضوعاتی درباره زنانگی و چگونگی به کارگیری آموزه‌های دینی در آموزش و پرورش می‌پردازند. از نظر او، اگر زنان به جای مسائل مهم‌تر، مانند روابط قوی خانوادگی و عاطفی، بر «تعقیب قدرت و ثروت» تمرکز کنند، «ماهیت» زن را تقلیل داده‌اند. علم‌الهدی می‌گوید: «برای کسانی که سبک زندگی غربی را پذیرفته‌اند یا آرزوی آن را دارند، «بهای استقلال آن‌ها تنزل بخشیدن به زنانگی آنها به یکی از جذابیت‌های سطحی بوده است.» او بر لزوم زنده نگه‌داشتن ارزش‌های سنتی مانند زندگی اخلاقی، به‌ویژه به این دلیل که جهان در یک «پیچ تاریخی» قرار دارد، اهمیت دارد. او به فایننشال تایمز گفته «فقدان اخلاق منجر به نابودی محیط زیست، فرهنگ، تمدن و بشریت خواهد شد. فساد اخلاقی و فسق می‌تواند نسل بشر را زودتر از بمب اتم نابود کند.»

سنت‌شکنی جمیله علم‌الهدی

همسران روسای جمهور قبلی ایران به ندرت در انظار عمومی دیده می‌شدند و به دنبال تاثیرگذاری بر سیاست نبودند. هیچ‌کدام تحصیلات یا سابقه حرفه‌ای علم‌الهدی را نداشتند. سنت‌شکنی‌های او شامل ترویج دیدگاه‌های او در مورد نقش زنان و اهمیت آموزش، مصاحبه با رسانه‌های خارجی هنگام همراهی همسرش در سفرهای رسمی، از جمله به سازمان ملل در نیویورک، و نامه‌نگاری به همسران رهبران اروپایی و درخواست از آن‌هاست. او سعی کرده از نفوذ خود برای توقف جنگ در غزه استفاده کند. علم‌الهدی ماه گذشته در نامه‌ای به همسر امانوئل مکرون نوشت: «لطفا از شوهرتان بخواهید که کشتار کودکان و زنان بی‌دفاع فلسطینی را محکوم کند و فورا برای برقراری صلح اقدام کند.» نقش علنی علم‌الهدی از زمان انتخاب رئیسی به ریاست جمهوری در سال ۲۰۲۱، در ایران با حساسیت‌هایی روبه‌رو شده است، اگرچه او اصرار دارد که مانند همه زوج‌ها، هرگز «بدون مشورت با شوهرم» کاری انجام نداده‌ام. فایننشال تایمز گفته منتقدان محافظه‌کار تندروا از او خواسته‌اند از سیاست دور بماند. «جلیل محبی» روحانی، ماه گذشته خطاب به رئیسی در توییتر نوشت: «جلوی همسرت را بگیر» و در عین حال مدافعان علم الهدی را «سیاستمداران اصلاح طلب» خوانده که می‌گویند «او نقشی را ایفا می‌کند که در بیش از ۴ دهه پس از انقلاب اسلامی تاکنون هیچ‌کس بازی نکرده است.» مثال این رسانه بریتانیایی اظهارات «محمدعلی ابطحی» معاون سابق رئیس جمهور اصلاح طلب که علم الهدی را به خاطر برداشتن گام‌های مثبت در فضایی رادیکال ستایش کرده، است. فایننشال تایمز به اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ اشاره کرده و نوشته «یکی از مسائل که امروز که ایران مطرح است، قانون حجاب است که بر نحوه پوشاندن زنان در مکان‌های عمومی نظارت می‌کند. این موضوع با مرگ مهسا امینی ۲۲ ساله در سال گذشته مطرح شده است. «علم‌الهدی به این سوال فایننشال تایمز که آیا ایران باید قانون حجاب را حفظ کند، پاسخ داده و گفته که «مشکل در آیین مد و مصرف‌گرایی است نه پوشش اسلامی. حجاب نباید به عنوان سلاحی برای کسانی که می‌خواهند دشمنی خود را با جمهوری اسلامی نشان دهند، استفاده شود. فلسفه حجاب این است... زنان باید جامعه را به سوی تعالی هدایت کنند. خانمی که به زیبایی روی صحنه می‌رقصد... به جای هدایت کردن، اغواکننده است. جمهوری اسلامی از مسیری حمایت می‌کند که هر چیزی را که منجر به اغوا می‌شود محدود می‌کند و از هر چیزی که به رشد جامعه کمک می‌کند حمایت می‌کند.» علم‌الهدی گفته که جنبش اعتراضی توسط دشمنان ایران در خارج از کشور رهبری شده است. «کسانی که به خیابان‌ها آمدند با گوشی‌های هوشمندشان آمدند و از جای دیگر هدایت می‌شدند که کجا بروند و چه کسی را بزنند.» فایننشال تایمز نوشته «علم الهدی با برخی از همسران مشهورترین حاکمان منطقه مانند اسماء الاسد سوریه یا ملکه رانیه اردن متفاوت است. چادر مشکی او نشانه‌ای آشکار از طرد سبک غربی است که توسط بسیاری از زنان ایرانی، به ویژه آن‌هایی که به تظاهرات پیوستند، هم پذیرفته شده است. پدر او احمد علم الهدی، روحانی است. با این حال، او اصرار داشت که خانواده‌اش هرگز مانع جاه‌طلبی‌های او نشدند. جمیله علم‌الهدی به فایننشال تایمز گفته «این یک فرض اشتباه است که فکر کنیم روحانیون با تحصیلات دختران خود مخالف هستند.»